

چاره ی کارگران
وحدت
و
تشکیلات
است!

همبستگی کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان
h.karegary@gmail.com



سرمقاله :

آمار سخن می‌گوید!

به برکت و تحت حکومت دلالی سرمایه‌داری اسلامی ۱۰۰۰ خانواده میلیاردر و غارتگر مثل رفسنجانی، امامی کاشانی، واعظی طبسی و ... ۹۳ درصد کل ثروت کشور را از طریق بنیادها و نهادهای مذهبی، دولتی، خصوصی در دست دارند در مقابل ما جمعیت ۹/۵ میلیونی کارگران (باچهل میلیون جمعیت) که ایجاد کننده کل ثروت‌های جامعه هستیم به همراه خانواده‌های ۴۰ میلیونی مان در کنار کلیه اقشار مردم یعنی بیش از ۹۰ درصد کل جمعیت ایران فاقد کوچکترین امکانات می‌باشیم و این در صورتی است که درآمد هر نفر فقط از بابت درآمد نفت سالیانه ۸۰ میلیون تومان می‌باشد و کشور ما نهمین کشور ثروتمند دنیا است. فقر و فلاکت عمومی آنقدر زیاد می‌باشد که روزنامه‌ها و نهادهای حکومت اسلامی مجبور به بازگویی هستند ۷ میلیون بیکار، ۷ میلیون معتاد، رسیدن سن فاحشگی به ۱۲ سال که در دنیا همتا ندارد، افسردگی ۶۸ درصد مردم، فروش ۱۳ هزار کلیه در سال از طرف گرسنگان جامعه، از هر ۱۰ ازدواج ۶ طلاق، زیر خط فقر بودن ۷۵ درصد مردم، فقر مطلق و گرسنگی مطلق ۲۰ درصد مردم یعنی ۱۴ میلیون نفر، صادرات روزانه دختران خانواده‌های فلاکت دیده و فقیر به دبی و پاکستان توسط باندهای حکومتی، سرگردانی ۵۵۰۰ دختر فراری در خیابانهای تهران در هر شب، بالاترین آمار تلفات انسانی در سانحه‌های هوایی زمینی در دنیا، رواج گسترده دارو و قرص‌های روان گردان، دوختن کیسه پول از طرف حکومت سرمایه‌داری برای بهره‌کشی و نجات از طریق پولی کردن و خصوصی کردن تمام امکانات رایگان قبلی در حوزه کلیه سطوح آموزشی (مدرسه و دانشگاه) بهداشت دارو و درمان و بیمارستانها، خدمات عمومی از قبیل حمل و نقل و ... هزاران درد بی درمان و در ماه جاری دولت و مجلس ضدکارگری اسلامی ۶۰۰۰ میلیارد تومان از محل بودجه عمومی به بانکها کمک کرد تا سود سرمایه داران نه تنها کم نشود . ادامه در صفحه ۲

شماره دوم - آذر ۸۷

در این شماره :

- ۱- سرمقاله (آمار سخن می‌گوید)
- ۲- مصاحبه‌ها
- ۳- خبرهای از تبریز
- ۴- خبرهای از جهان
- ۵- نگاهی تجربی و انتقادی به تشکلهای موجود کارگری (قسمت اول)
- ۶- جمال عباس زاده قربانی سرمایه داری شد.
- ۷- بحران در تراکتورسازی تبریز

به نقل از روزنامه های دولتی، دولت مهرنواز احمدی نژاد ۲۷۰۰ میلیارد تومان از بیت المال؟! به اقا زاده ها و حاجی زاده های مومن و مسلمان از طریق بانکهای دولتی وام داده است، که الان بعثت بازار گرم آنها و داشتن باندهای مافیای قدرت و ثروت در امپراتوری اسلامی از دادن اقساط این وامها خود داری می کنند، چون تمامی کشور را متعلق به خود می دانند. این در حالی است که برای گرفتن یک وام صد هزار تومانی کارگران باید یک سال دوندگی کنند و بیش از سه ضامن داشته باشند. همچنین تمامی وامهای اشتغال زا در دولت مهر نواز قطع شده است.

۷۵٪ مردم زیر خط فقر و ۲۰٪ مردم (۱۴ میلیون) زیر خط فقر مطلق بسر می‌برند و به نان شب محتاجند.

کارگران ؛ باتشکیل اتحادیه و سندیکاهاى خود، سنگرى درمقابل
بهره کشى و استبداد سرمایه داران به پا کنیم.

ادامه سرمقاله

بلکه با جابجای این ۶۰۰۰ میلیارد تومان ضمن اینکه آمارهای بالا به زیان مردم و بخصوص کارگران خراب تر شده و سرمایه داران حتی در دوران بحران نیز هرچه بیشتر سودبیرند. در مقابل این همه غارت و بهره‌مکشی و جنایات سرمایه‌داران و دولت فاشیستی آنها چاره کارگران وحدت و تشکیلات است. برای مقابله با یورش طبقه سرمایه‌دار به تمام هستی کارگران و سرکوب و حق‌کشی و ناعدالتی و برای بدست آوردن حق تشکل (سندیکا، اتحادیه و ...) حق تجمع (اعتصاب، اعتراض و ...) آزادی بیان، قلم در شکل‌های سیاسی، صنفی خود باید متحد شویم و با تشکیل اتحادیه و سندیکاهای سراسری بطور سراسری و عمومی تهاجمات نظام سرمایه را درهم شکسته و آنرا وادار به عقب نشینی کنیم. در مقابل قدرت متحد و یکپارچه ما در مقابل نیروی میلیونی ۹۰ درصدی ما، غارت‌گران و زالو صفتان سرمایه داری قادر به مقاومت نیستند. بیایید علیه بهره‌مکشی استبداد مبارزات خود را تشدید کنید، تمام قدرت و توان ما در اتحاد یگانگی ما در مبارزه ما برای رسیدن به خواست مشترک است با تجمع در تشکل‌های اتحادیه‌ای و سندیکائی و... خود را از تفرقه و پراکندگی نجات دهیم.

اتحاد مبارزه پیروزی

از عملکرد سندیکا و اتحادیه کفاشان تبریز بگوئید؟

بعد از کودتای ۲۸ مرداد که سندیکاهای سرکوب شدند تشکیلات سندیکای به صورت علنی وجود نداشت ولی به طور غیر علنی تحرکاتی وجود داشت.

و حرکات نمایشی در روز کارگردر زمان رژیم سلطنتی به انواع مختلف از جمله تظاهرات فرمایشی و فرمالیته، کارگران شهرداری را به صورت نظافتچی های شهر، جارو بدست به خیابان می آوردند.

بعد از انقلاب ۵۷ فرصتی بدست آمد کارگران توانستند به تشکیل مجامع صنفی و سندیکای اقدام کنند. کارگران پیشرو صنفهای مختلف، در صنف خود اقدام به تشکیل هیئت موسس سندیکاهای کردند در قدم بعدی سندیکاهای صنف خود را تشکیل دادند همین حرکت ها مقدمه ای برای تشکیل سندیکاهای مختلف از جمله سندیکاهای کفاشان و قالیبافان، کارگران

ساختمانی و آهنگران و تمام صنفهای مختلف در تبریز و دیگر شهرها شد. در عملکرد سندیکاهای پس از تشکیل اقدام بتشکیل تعاونی مصرف کردند. سندیکای کفاشان تبریز تعاونی مصرف تشکیل داد که قریب به ۲۰۰۰ نفر که هزار نفر از آنها عضو رسمی بودند. به علت فقدان سرمایه اولیه اعضا شروع به جمع آوری سرمایه برای شرکت تعاونی نمودند و برخی از کارگران با فروختن زیورآلات خانواده شان سرمایه به شرکت آوردند.

اعضای تعاونی مواد غذایی و لوازم خانگی از مرکز به صورت ارزان خرید کرده و در تعاونی بین اعضا تقسیم می کردند. همچنین شرکت تعاون به صورت ارزان جهیزیه تهیه میکرد.

در عملکردی دیگر شرکت تعاونی مسکن سندیکا تشکیل شد نزدیک ۱۶۰۰ نفر عضو تعاونی مسکن بودند. فعالین تعاونی مسکن به نحو احسن از دولت زمین تهیه می کردند و از بانکها وام در یافت می کردند و با مبلغ کمی که از اعضا دریافت می کردند اقدام به ساخت و ساز مسکن کردند و اعضا را به صورت سهل و آسان صاحب خانه نمودند از جمله خانه های یاد شده در بازار روز شهرک طالقانی رجای شهر بود. و در موردی که در گلشهر زمین متعلق به تعاونی مسکن سندیکای کفاشان بود به دلیل کمبود بودجه سه دستگاه برج مسکونی به بازاریان واگذار گردید و به اتمام رسید.

در عملکردی دیگر سندیکاهای نظر پزشکان انسان دوست تبریز را جلب کرده بودند که در صورت معرفی سندیکا کارگران به صورت مجانی معاینه و مداوا می گردیدند. در صورت بستری بودن اعضای سندیکا در بیمارستانها و نداشتن هزینه سندیکا تسویه حساب کارگران را حل و فصل می کرد.

در مورد بروز اختلاف بین کارفرما و کارگر بازرسین سندیکا به کارگاه مراجعه و سعی می کردند مصالحه انجام گیرد در غیر این صورت اخراج کارگر با دریافت تمام حقوق و مزایا انجام می گرفت.

وحدت داشتن تشکیلات و تشکیلات اتحادیه، سندیکا یا هر تشکل دیگری برای کارگران کاری بسیار مفید و الزامی است بطوریکه در سایه این تشکلهای کارگران به بخشی از حقوق حقه خود از جمله دستمزد خود و بیمه باز نشستگی و از کارافتادگی و پایان کار و غیره دست می یابند در صورت عدم وجود تشکل کارگری، کارگران به هیچ کدام از خواستهای خود دست نخواهند یافت.

این مصاحبه با یکی از اعضای قدیمی سندیکای کفاشان انجام گرفته است. در سال ۱۳۶۰ حکومت جمهوری اسلامی به سندیکای کفاشان حمله کرد و ماموران و طرفداران جمهوری اسلامی اعضای سندیکا را بسختی کتک کاری کردند و سه نفر از اعضای سندیکا را با خود بردند و در خفا مورد ضرب و شتم و وحشیانه قرار دادند. سپس در خرابه انداخته بودند مردم صبح که به سر کار می رفتند دیده بودند که ۳ نفر در خرابه از هوش رفته اند و آنها را به بیمارستان منتقل کردند که از آن موقع تا به حال سندیکا باز نشده ولی سندیکا کفاشان و تمام سندیکا ها قانونی است.

هزار کیلومتر دور از زن و بچه

توی اتوبوس بغل دست من نشسته بودو مدام خمیازه می کشید لباسها و بدنش بشدت بوی می داد سر و وضع نامناسبی داشت پیراهن پشمی کثیف و شلوار کردی زوار در رفته ای بتن داشت براحتی می توانستی بفهمی که مدت زیادی است که نه اصلاح ونه استحمام کرده است. از توی ساکش فلاکس چای را در آورد و به من چای تعارف کرد اسمش را پرسیدم گفت حسین اهل کردستان است در جواب من که گفتم کجا کار می کنی؟ آهی کشید و گفت در جابان آنطرف دماوند است جای خیلی بدی است. چکار می کنی؟ گفت من در آنجا کارگری می کنم توی باغی سیب می چینم خوب چطوری کار می کنی؟ گفت روز مزدی، روزی ۵۰۰۰ تومان و نهار. به خاطر اینکه خسته بودم مدتی سکوت کردم بعد پرسیدم چند ماه است که اینجا هستی؟ گفت ۴۰ روز است خیلی دلم برای بچه هام تنگ شده، به دلیل اینکه باغ هیچ امکاناتی نداشت نمی توانستم به حمام بروم در این مدت تنها دو بار به حمام رفتم. پرسیدم چندتا بچه داری؟ یک زن و سه تا بچه دارم دو دختر و یک پسر. دختر بزرگم کلاس ۹ است و بچه های دیگرم ابتدای می خوانند. موقعیت کاری در شهرستانها چطور است؟ بسیار بد آنجا کاری وجود ندارد همین کارگری ساده هم نیست باید از صدها کیلومتر آنطرفتر بیایم اینجا و زن بچه ام را ول کنم به امان خدا برای پیدا کردن یک لقمه نان که آنهم اگر پیدا شود. چند نفر مثل تو کار می کنند توی جابان

کم اند ولی در دماوند یا شهرهای دیگه هزاران نفر هستند. در جابان تنها کارمی کنید؟ نه چند نفر بودیم در یک اتاق از یک ساختمان نیمه کاره می خوابیم ما چند نفر کارگر بودیم که همگی صبح ساعت ۶ در یک میدانچه جمع می شدیم و منتظر می ماندیم که کسی بیاید و مارو سر کار ببرد. هرروزه سر کار می رفتید؟ نه در طول هفته چند روزش می رفتیم چون کسی نبود که مارو ببرد. گاهی صاحب کار می آمد و ما دور او حلقه می زدیم و او نمی دانست که کدوم یکی از ما رو انتخاب کند و به سر کار ببرد اغلب ما که شهرستانی بودیم به التماس هم می افتادیم که آقا، جان بچه هات مارو ببر!!! چند ساعت کار می کردید؟ تقریباً از ساعت ۵ صبح بیدار می شدیم و مشغول جمع آوری سیبها می شدیم تا ظهر. در این مدت استراحت نمی کردید؟ می توانستیم دزدکی سیگار بکشیم من یک فلاکس جای داشتم لای درختها بدور از چشم صاحب کار یک چای می خوردم. بعد نهار که یک ساعت طول می کشید تا ساعت ۷ غروب باز سیب می چیدیم. شمادر این دو ماه چقدر درآمد داشتید؟ تقریباً در این دو ماه من ۴۵ روز کار کردم و ۵۰۰ هزار تومان در آوردم که باید خرج زن و بچه ام کنم. فکر می کنی چند نفر مثل شما اینجوری زندگی می کنند پول درمی آورند؟ نمی دانم اما من هرچه بیشتر کار می کنم سودش توجیب من نمی رود به من همان قدر می دهند که یک لقمه نان با آن تهیه کنم که بتوانم فردا هم کار کنم، حتماً بقیه کارگرا هم مثل من هستند. فکرمی کنی چه جوری می شود از این وضعیت نجات پیدا کرد؟ نمی دانم. نمی خواهی به راه نجات فکرمی کنی؟ چرا.

خبرهای از تبریز

محرم کاظم پور خود کشی کرد.

محرم کارگر کارخانه حوله برق لامع بود او ۲۰ سال سابقه کار داشت. به دلیل کار شخصی وفوری مجبور شد یک روز غیبت کند. مدیریت کارخانه برق لامع به بهانه یک روز غیبت او را اخراج کرد. محرم بخاطر بیکار شدن و ترس از آینده در خانه خود واقع در تبریز خیابان بهار خیابان ۱۷ متری شریفی خود را دار زد.

مهربانی صندوق مهر رضا و دولت مهر پرور شامل حال تراکتورسازی تبریز شده و آن را دچار بحران کرد.

به دنبال طرح خصوصی سازی، کارخانه

تراکتورسازی تبریز را به صندوق مهر رضا دادند. و مهر رضا شامل حال کارگران شدو برای اولین بار حقوق کارکنان با ۷ روز تاخیر پرداخت گردید. در همین حال مهربانی دولت مهر پرور نیز به نوع دیگر شامل حال این کارخانه شده است، بر مبنای سیاستهای ضد مردمی دولت اسلامی و امهای کشاورزی جهت خرید تراکتور قطع شده است و چون کشاورزان نیز توان خرید ندارند تولید کارخانه از ۷۵ به ۲۵ دستگاه تنزل یافته است. همچنین به دنبال بحران در خودروسازها مدیریت تراکتورسازی کارگران را می خواهد به مرخصی اجباری یک ماهه بدون حقوق بفرستد که البته کارگران تهدید کردند دست به اعتراض خواهند زد.

اعتراض به تغییرات ضد کارگری قانون کار
روز چهارشنبه ۲۸ آبان ماه عده ای از کارگران در اعتراض به تغییرات ضد کارگری در قانون کار و خواستههای رفاهی دیگر در مقابل خانه کارگر تبریز تجمع کردند و شعارهای بصورت زیر نوشته بودند از جمله: سندیکا، سندیکا ایجاد باید گردد. سندیکای هفت تپه حمایت می کنیم، کارگرنزدانی ازاد باید گردد...

در مدت کمتر از یک ماه ۴ کارگر کشته و ۲ نفر قطع نخاع شده اند.

به علت سود طلبی، فشار مضاعف بر کارگران و عدم رعایت مقررات و تهیه نکردن لوازم ایمنی کار از طرف کارفرمای (بساز بفروش) ساختمان ۱۱ طبقه واقع در شهرک باغمشه تبریز و ربوری پمپ بنزین حسن حسین پور کارگر ساختمانی حین انجام کار از طبقه ۱۱ به پایین پرت شدو بطور فاجعه باری کشته شد این مسئله نه تنها باعث هشدار به بساز و بفروش (کارفرما) نشد بلکه در ادامه **کریم برزگر** از طبقه ۸ داخل چاه آسانسور افتاده او نیز کشته شد. در فاصله دو هفته ۸ نفر دیگر تا حالا سقوط کرده اند که دو نفر مرده و دو نفر قطع نخاع و چهار نفر دیگر دچار صدمات جبران ناپذیری شده اند.

دلالی و کارچاق کنی عسگر اولادی

کارگران شرکت پیمانیر در تبریز که ۶ ماه است حقوق نگرفته اند در تاریخ ۲/۹/۸۷ دست به اعتراض زده طی راهپیمای خواستار احقاق حقوق خود شدند. در ضمن تعداد دیگری از کارگران همین شرکت (پیمانیر) که هم اکنون در نیروگاه ارس و مغان (اردبیل) مشغول به کار هستند دو ماه است که حقوق نگرفته اند. ۵۱٪ سهام این شرکت متعلق به توانیر و ۴۹٪ متعلق به بنیاد شهید و جانبازان است. این شرکت

با کمک ودلالی عسگر اولادی در اکثر مناقصه های بزرگ ایران شرکت می کند و در تمامی آنها برنده می شود که حق و حساب عسگر اولادی نیز پرداخت می گردد.
آقای وزیر دولت مهر پرور کارگران را جریمه کرد.

وزیر راه و ترابری در بازدید از پل میانگنر ارومیه- تبریز که روی دریاچه ارومیه ساخته میشود. در مراسم "افتتاحیه" بدلیل اینکه پیمانکار ساختن این پل را ۲۰ سال طول داده است، کارگران این پروژه را به جای پیمانکار هر نفر ۱۵۰۰ هزار تومان جریمه کرد. جالب و قابل توجه است، پیمانکار که یکی از پسرهای به باند مافیای قدرت در نظام اسلامی وابسته است، برای افتتاح موقت و ماست مالی کردن، قطعاتی از پل آهنی را که از زنجان بمبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به مدت یک ماه کرایه کرده است. پس از مثلاً "افتتاح و تحویل پروژه به عنوان اتمام آن، قطعات را به زنجان پس خواهد داد و پل میانگنر به بهانه ای تعطیل شده برای راه اندازی مجدد آن یک قرارداد دیگر و چپاول از نوع شروع خواهد شد.!!!

کارگران جهان متحد شوید

خبرهای از جهان

شدت یابی بحران جهانی سرمایه داری که با ورشکستگی بانکها و سپس بورسها شروع شد به بخش مسکن و شاهرگ تولیدی و صنعت، صنایع خودروسازی کشیده شده، بزرگترین کارخانجات خودروسازی امریکا سپس اروپا با سه میلیون کارگر در معرض ورشکستگی قرار دارند بطوری که بزرگترین کارخانه ترکیه یک ماه مرخصی اجباری به کارگران خود داده است و همچنین تراکتورسازی تبریز که می خواهد همین کار را تکرار کند. تحت چنین شرایطی که بیکاری به بیسابقه ترین حد خود حتی در کشورهای بزرگ سرمایه داری رسیده است و قدرت خرید مردم نسبت به یک ماه قبل ۲۰ درصد کاهش یافته است در همین حال طبق آمار بدست آمده ۸۳ درصد فرانسوی ها، ۷۳ درصد ایتالیایی ها و ۷۰ درصد اسپانیایی و انگلیسی ها و همچنین ۵۳ درصد آمریکایی ها نسبت به اصلاح وضعیت موجود ناامید هستند که در بسیاری از آنها مردم دست به اعتراضات شدید زده اند:

یونان: در صف مقدم اعتراضات ظاهر شده است. بیش از بیست روز قیام مردم یونان ادامه داشت، تظاهر کنندگان با چوب و سنگ و ککتل مولوتف مبارزه می کردند و پلیس با گاز اشک آور و ماشین های آب پاش سرکوب می کند، در همین حال لازم به تذکر است که تلویزیون های سرمایه داری سعی در بایکوت خبری داشته و دارند و بسیار اندک خبر ها را پخش می کنند. مبارزه کارگران و مردم ستم کشیده یونان علیه سیاستهای نئو لیبرالی ضد مردمی و سرمایه داری دولت حاکم که همراه با فساد کلان دستگاههاومدیران آن است دست به اعتراض زده اند و به دنبال کشته شدن جوان پازده ساله که جرقه ای بود بر خرمن خشم سرکوب شده توده ها جهید و اعتراضات وارد فاز نوینی شد. و کارگران، دانش آموزان، دانشجویان و... با بمبهای آتش زایه مقابله با پلیس وحشی سرمایه داری پرداخته، خواهان انحلال دولت و انتخابات جدید شدند. لازم به توضیح واضح است که مرگ این نوجوان بهانه و جرقه ای برای شدت بخشیدن به اعتراضات بوده نه عامل آن که سرمایه داران و دولتشان برای لاپوشانی هزاران درد بی درمان سرمایه داری بحران زده سعی دارند مرگ آن را عامل اعتراضات قلمداد کنند.

فرانسه: ۱۳۰ هزار دانش آموز معلم فرانسوی در اعتراض به سیاستهای دولت سرمایه داری سارکوزی که اقدام به اخراج ۱۳۵۰۰ نفر معلم کرده است دست به مبارزه ادامه داری زده اند، دانش آموزان و معلمین خواستار تدوین برنامه آموزشی توسط خود معلمین و دانش آموزان هستند همچنین آنها می خواهند معلمین دارای حقوق عادلانه و استخدام دائم باشند. اتحادیه ها و سندیکاهای فرانسه روز ۲۹ ژانویه را برای اعتصاب و تظاهرات و اعتراضات عمومی اعلام کرده اند و خواستار شدند که کارگران، کارخانجات و خیابانها را در اختیار خود بگیرند.

امریکای لاتین: بدنبال بحران جهانی نظام سرمایه داری و شدت بخشیدن به نظامی گری و بریریت امپریالیسم جهانی در یورش علنی تر به تمامی دست آوردهای بشری و همچنین گرایش جهانی سرمایه به سمت چند قطبی که ایجاد شکاف بین آنان و نابودی هژمونی و رهبریت امپریالیسم آمریکا بر دیگر رقبا ی خود خواهد شد به دنبال این گرایش چند قطبی شدن پیمانها و بلوک بندی های منطقه ای شروع شده است. یکی از این بلوک ها مربوط به امریکای لاتین می شود، ۳۳ کشور

امریکای لاتین درمقابله با سیاستهای امپریالیسم هار امریکا به یک بلوک بندی نظامی - اقتصادی منطقه ای دست زده اند و اولین خواست آنها لغو تحریم های اقتصادی امریکاعلیه کوبامی باشدو در این رابطه تهدید کردند در صورت ادامه تحریم کوبا سفیرهای امریکا را ازکشورهایشان اخراج خواهند کرد. شکاف و بلوک بندی های جهان سرمایه داری که براساس شدت یابی بحران ساختاری سرمایه تشدید می گردد باعث باز شدن فضای انقلابیگری شده و انقلابات کارگری درصورت فعالیت اصولی انقلابیون واقعی رشد بیشتری خواهند یافت.

افغانستان: تحت حاکمیت اشغال گران امپریالیست و دولت دست نشانده و مزدور حامد کرزای طبق آمار سازمان ملل متحد ۱۱ میلیون نفر از مردم افغانستان بیکار بوده (و ۹۰ درصد آنها زیر خط فقر) و ۵ میلیون نفرشان زیرخط فقرمطلق بسر می برندعلی رغم ادعای دروغین کشورهای امپریالیستی در مبارزه با مواد مخدر تحت هدایت و کنترل سازمان جاسوسی سیاکشت و برداشت خشکاش (و انواع مواد مخدر) در افغانستان دو برابر شده است. لازم بذکر است که سرمایه جهانی از طریق مواد مخدر سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد دلاردرآمد خالص دارد.

اروپا - امریکا: گندیدگی و فساد سرمایه داری که نشان ازقرارگرفتن آن درسراشیبی نابودی است هر روز ابعاد تازه ای به خود می گیرد. ازجمله از میان هزاران فساد می توان اشاره کرد که طی ماه گذشته رئیس شرکت توتال فرانسه بعلت کلاهبرداری و سوء استفاده و غارت اموال عمومی تحت فشار افکار عمومی دستگیر شد، همچنین سرمایه دار امریکای که به حسن شهرت (عومفریبانه) در میان سرمایه داران اروپای و امریکای مشهور بود بدلیل ۵۰ میلیارد دلار کلاهبرداری در خانه خود تحت بازداشت خانگی قرار گرفت. آیا با شنیدن این اخبار یاد کرباسچی و شهرام جزایری خودمان نمی افتد؟ فساد در سرمایه داری ایران و امریکا نمی شناسدهمگی مانندهم هستند این کلاهبرداری ها و بازداشتهای خانگی در حالی است که مردمان بسیاری بعلت فشار زندگی وبخاطر چندر غاز اقساط معوقه به بانکها ی سرمایه داری و یا رباخواران سالهاست در زندان بسر می برنداین نشانه اوج عدالت و دموکراسی در نظام سرمایه داری است. که مثلاً در کشور پیشرفته سرمایه

داری مانند امریکا خانه های ۲۸۵ هزار نفر را که بدلیل بحران اخیر نتوانسته اند دو ماه قسط وام خانه خود را پرداخت کنند خانه هایشان را از دستشان خارج کرده اند. اما کسانی چون شهرام جزایری، کرباسچی و پسر آیت اله واعظی طبسی ۷۰ میلیارد تومان بالا می کشد و یا آن امریکای ۵۰ میلیارد دلار کلاهبرداری می کند فقط با بازداشت خانگی مثلاً تنبه می شوند. این است عدالت و دموکراسی سرمایه داری تفاوت از کجا تا کجا است.

ترکیه: روز شنبه ۱۹ آذر با فراخوان اتحادیه های کارگری (سرخ انقلابی) در ترکیه صدها هزار نفر در شهر استامبول علیه سیاستهای نظام جهانی و همسوی دولت سرمایه داری ترکیه با آن به تظاهرات باشکوه دست زدند و جهانیان را به مبارزه با سرمایه جهانی فراخواندند.

نگاهی تجربی و انتقادی به تشکل های موجود کارگری

قسمت اول: آیا منافع اقتصادی طبقه کارگر از منافع سیاسی آنان جدا است؟

نظام سرمایه داری بر پایه منافع آشتی ناپذیر طبقاتی، طبقه سرمایه دار بعنوان دارنده وسایل و امکانات تولید و کار و حکومت، و کارگران بعنوان فقط صاحبان نیروی کار که باید برای ادامه حیات این نیرو را در اختیار آنان گذاشته و بفروشند، بر قرار است، تاریخ ۲۰۰ ساله جنبش جهانی طبقه کارگر و همچنین تاریخ ۱۰۰ ساله جنبش کارگری ایران نشانده سه سطح مبارزه اقتصادی، سیاسی و فکری بین اردوی کارگران و سرمایه داران با فراز و فرودهای گوناگون می باشد مبارزه اقتصادی کارگران در دایره حکومت سرمایه داری برای فروش بهتر نیروی کار (افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار) بوسیله تشکلهای توده ای اتحادیه های و سندیکائی و مبارزه سیاسی کارگران بوسیله تشکل سیاسی (حزب) و شوراهای کنترل کارگری در شرایط انقلابی جریان داشته است و همچنین مبارزه فکری کارگران علیه انحرافات داخلی و بیرونی توسط اندیشمندان و حزب سیاسی انجام می شود. در شرایط عدم انسجام طبقاتی - سیاسی کارگران در حزب انقلابی خود بر

پایه منافع خاص خود بعنوان يك طبقه و حکومت کارگری، در انقلابات و تحولات عمیق اجتماعی- سیاسی مبارزه و نیروی این طبقه آلت دست گروههای سرمایه‌داری در جهت تصفیه حساب با گروههای رقیب خود و در شرایط انقلاب که کل نظام بهره‌کشی در خطر نابودی بوده در جهت استقرار حکومت‌های فاشیستی و غیر مردمی قرار داشته است نمونه قیام ۱۳۵۷ و حکومت‌های فاشیستی در اروپا بدنبال شکست انقلابات کارگری در اروپا (۱۹۱۴-۱۹۲۰) و غیرو می‌باشد. مهم‌ترین عامل سوء استفاده نیروهای غیر کارگری از مبارزات کارگران فاصله انداختن، جدائی و کشیدن دیوار چین بین مبارزه و تشکلهای سیاسی و اجتماعی کارگران است که نظام سرمایه‌داری از طریق گروههای سیاسی و تشکلهای خود بعنوان ستون پنجم آنان در میان کارگران (انجمن‌های اسلامی، شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر) می‌توانند از طریق این شکاف و محدود کردن مبارزه و خواست سیاسی و اقتصادی کارگران در چهارچوب نظام سرمایه‌داری نگهدارند. این مبارزات از حد اصلاحات و خفه شدن در همان چهارچوب بالا رفته و در نهایت باعث ادامه شرایط بردگی سیاسی و بقای بهره‌کشی کارگران شده‌اند. بجز دو نمونه انقلابات فرانسه (۱۸۷۱) و اکتر روسیه (۱۹۱۷) که کارگران از دو جزء مبارزه و تشکل اقتصادی و سیاسی بعنوان مکمل و در راستای تقویت هم استفاده کرده‌اند و موفق به تسخیر قدرت شده و سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه را شکسته و به آزادی واقعی اقتصادی سیاسی رسیده‌اند علی رغم جانفشانی‌های جانانه طبقه کارگر در اغلب تحولات اجتماعی- سیاسی به زائده و آلت دست نیروی بزرگ و کوچک سرمایه تبدیل شده است چرا که نتوانسته از موضع مستقل منافع سیاسی- اقتصادی خود در جهت نابودی نظام بهره‌کشی و رسیدن به حکومت خود نیروهایش را بعنوان يك طبقه در تشکل‌های سیاسی اقتصادی سازمان دهد بنابراین علی‌رغم دادن تلفات زیاد دوباره در همان شرایط سابق در جا زده است. بنابراین مبارزه صنفی- اقتصادی طبقه کارگر توسط اتحادیه‌ها و سندیکای خود در شرایط تسلط حکومت سرمایه‌داری بخاطر مقاومت در مقابل تهاجم سرمایه‌داران به تشدید بهره‌کشی و فروش بهتر نیروی کار خود نمی‌تواند از مبارزه کارگران علیه شرایط بردگی سیاسی آنان که

و ادار می‌شوند بعلت تملك كامل وسایل تولید و امکانات کار خود را در اختیار سرمایه‌داران بگذارند جدا باشد هر گونه جدائی بین دو سطح مبارزه و شکل صنفی- اقتصادی (سندیکائی- اتحادیه‌ای) و تشکل و مبارزه سیاسی (شورائی) باعث انحراف مبارزه کارگری از مسیر اصلی خود خواهد شد. بعبارت دیگر طبقه کارگر بهمان اندازه که برای فروش بهتر نیروی کار خود در شرایط تسلط نظام سرمایه‌داری و ارتباط گسترده با نظام بخش‌های کارگری به سندیکا و اتحادیه نیاز دارد. به همان اندازه و از آن بیشتر برای نابودی شرایط بردگی و وابستگی خود به مبارزه سیاسی و تشکل سیاسی محتاج است. برای درك بهتر موضوع ما به چند تجربه عمدتاً شکست جنبش که باید از آن برای ساختن آینده‌ای روشن استفاده کنیم اشاره می‌کنیم:

نمونه اول: شکست انقلابات کارگری اروپا (۱۹۱۴-۱۹۲۰) مخصوصاً آلمان و فنلاند ... که از طریق سازش اتحادیه‌های میلیونی کارگران با سرمایه‌داری توسط ستون پنجم سرمایه داران یعنی سوسیال دمکراتها و قراردادن مبارزه اقتصادی (سندیکائی) کارگران در مقابل مبارزه سیاسی آنان انجام شد: در شرایطی که افراد و سازمانهای سیاسی سوسیال دمکرات بعنوان حامیان و حافظان نظام سرمایه‌داری در اتحادیه‌ها و سندیکای کارگری دست بالا را داشته و خودشان را به سرمایه فروخته بودند و با راهنمائی و هدایت آنان سازمان و احزاب سیاسی کارگری توسط سرمایه‌داران قلع و قمع شدند (کشته شدن رزالوگز انبرگ، کارل لیبخت و ..) کارگران بدون جهت گیری سیاسی در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری به زائده و دنبالچه سرمایه‌داران تبدیل شده و باعث روی کار آمدن حکومت‌های فاشیستی شدند که عامل کشتار بیش ۶۰ میلیون انسان شد. در صورتیکه کارگران در شرایطی که بحران اقتصادی کل نظامهای سرمایه‌داری را فلج کرده بود می‌توانستند به عمر نظام سرمایه‌داری پایان داده و خود قدرت را بدست گیرند. سرمایه‌داران بخوبی از شکاف فاصله بین تشکل و مبارزه سیاسی و اقتصادی کارگران سود جستند و عمر ننگین خود را طولانی کردند. (نمونه دوم: از تاریخ مبارزات کارگران کشور خودمان (۱۳۲۰-۱۳۳۲)

در این سالها بدنبال يك جو باز سیاسی و شرایط مساعد جهانی تحت هدایت حزب سیاسی از وحدت اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری در شورای متحد کارگری ۳۵۰/۰۰۰ نفر کارگر مثل يك دریایی متلاطم پا به عرصه نبرد گذاشتند. بطوریکه باعث وحشت تمامی جناح‌های ارتجاع و حتی سرمایه‌داران ملی شدند که تمام تحولات کشور را تحت سیطره و تأثیر خود قرار دادند ملی شدن باصطلاح صنعت نفت در آن سالها نمونه کوچک عقب نشینی اردوی سرمایه جهانی و عوامل داخلی‌اش بود نامه آیت اله کاشانی به فرح در آن برهه تاریخی (۲۹ اسفند ۱۳۳۱) نشاندهنده عظمت جنبش کارگری و وحشت آیت الله‌ها و حتی مصدق از این جنبش بود. اما چرا با این همه توان نتوانست در مقابل کودتای که از قبل هم پیش بینی می‌شد مقاومت کرده و قدرت را بدست بگیرد؟ به این دلیل ساده که حزب هدایت کننده حزب اصلاحات بود نه حزب انقلاب و حکومت کارگری بنابراین در همان چهارچوب اصلاحات در مبارزه باعث شکست جنبش کارگری شد. در صورتیکه بر خلاف توجیه کنندگان و ماست مالیزه کنندگان این شکست که آسمان را به ریسمان می‌بافند جنبش کارگری با توجه به عظمت و قدرت خود که دشمنانش هم به آن اعتراف می‌کنند (نامه کاشانی به فرح) در صورت و درك درست از قدرت و حاکمیت کارگری و در جانزدن روی خواست‌های رفاهی می‌توانست قدرت را تسخیر کند. تجربه سوم قیام ۱۳۵۷ و تولد ۱۶۰ شورای کنترل کارگری بعنوان نطفه حکومت کارگری در شرکت نفت، پتروشیمی، صنایع بزرگ، ماشین سازیها و ... که سعی می‌کردند سازماندهی و کنترل اقتصادی و در مواردی سیاسی را بدست خود گیرند اما بدو دلیل ساده نتوانستند: الف: این شوراها بعلت عدم درك سیاسی که فقط در صورت حزب سیاسی می‌توانست بوجود آید به حکومت ضد کارگری و ضد انقلابی جدید که به نام انقلاب، انقلاب و دستاوردهای آنرا سرکوب می‌کرد پدیده حکومت انقلابی نگاه می‌کرد. ب: اینکه نیروهای موجود در آن دوره درکی انحرافی از رابطه مبارزه و تشکل سیاسی و اقتصادی کارگران داشتند و متأسفانه این دو جزء را در مقابل هم قرار دادند عده‌ای از این فعالین با چسبیدن به شوره‌های کارگری (بر حق) بناحق در مقابل تشکل‌های اقتصادی و پایه‌های کارگران

جمال عباس زاده قربانی سرمایه داری شد.

پرداختند. در سال ۱۳۸۵ بیش از نصف عیدی و پاداش کارگران را حذف کردند که به عنوان طلب باقی مانده است و همچنین سه ماه از حقوق ۸۵ را هنوز نپرداختند. در سال ۱۳۸۶ ۱۸۰ نفر از کارگران قراردادی را اخراج کردند و کارگران بیش از یک سال است که شکایت کرده اند ولی هنوز موفق به دریافت حقوق و سنوات خود نشده اند. امسال نیز ۶۰ نفر را اخراج کردند که آنها هم شکایت کرده اند.

با توجه به اینکه این کارخانه سفارش های بسیاری دارد و بسیار سود آور است اما مدیران و کارمندان عالی رتبه عمداً کارخانه را رها کرده اند تا ورشکسته شود. و بتوانند کارگران رسمی را نیز راحتر اخراج کنند. تا به این روز این کارخانه اسکلت های سنگین طرحها و پروژه های بسیاری از جمله پروژه نواب، پل میرداماد، پل آهنگ، میدان مرکزی تره بار تهران، نیروگاههای شهید رجایی، خوی و یزد، همچنین پل خیبر در منطقه جنگی و صدها پروژه بزرگ دیگر را ساخته است که البته اکنون نه تنها توان کاری آن کم نشده، بلکه توانایی بیشتری نیز دارد. و هم چنان در زمان کار کرد، دارای سود آوری بسیار بالای است.

هم اکنون این کارخانه دارای ۳۵۰ نفر پرسنل است که بیشتر آنها با توجه به بلا تکلیفی و رها شدن کار از طرف کارفرما هر روز در محل کار حاضر می شوند در حالی که طبق دستور کارفرما سرویس ایاب و ذهاب برای فشار آوردن و خسته کردن کارگران قطع شده است و اعلام کرده اند که می خواهند ناهار را نیز قطع کنند.

کارگران می گویند قرار است روز یکشنبه ۱۳۸۷/۹/۲۴ بین نمایندگان ما و نماینده کارفرما و وزارت کار در محل وزارت کار جلسه ی برای روشن شدن تکلیف شرکت برگزار شود. ولی ما احتمال می دهیم که نمایندگان نتوانند از حق ما دفاع کنند چون آنها را عوامل کارفرما و دولت ترسانده اند. حرکت های فرد منش و حاج آقا بابایی کارفرمای شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران مانند رها کردن کارخانه و قطع سرویس ها شباهت صد در صدی به عملکرد

خبر تعطیلی کارخانه، باعث مرگ یکی از کارگران شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران شد.

در چهار آذرماه، مدیر شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران واقع در جاده قدیم کرج طی سخنرانی در جمع کارگران که منتهای پیش با وجود اخبار غیر رسمی از دست دادن شغل خود در اضطراب و دلهره بسر می بردند. اعلام کرد که این شرکت دیگر نمی خواهد کار را ادامه بدهد. در این حین جمال عباس زاده با شنیدن این خبر که آینده و امنیت شغلی خود را از دست رفته دید در همان جا دچار سکته شد و قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد.

با مرگ جمال عباس زاده یک بار دیگر همچون مرگ هزاران کارگر ثابت می شود که امنیت جانی و خانوادگی کارگران به امنیت شغلی آنها که بازچه تصمیمات سرمایه داران شده است بستگی دارد.

کارگران شرکت صنایع فلزی سازه های سنگین تهران می گویند :

این کارخانه قبلاً تحت نظر سازمان گسترش قرارداد داشت و بعدها به شرکت سرمایه گذاری شاهد منتقل گردید و در سال ۸۴ طی اجرایی طرح خصوصی سازی به فرد منش و حاج آقا بابایی از زمینخواران بزرگ تهران فروخته شد. این دو نفر خریدار پس از تصاحب شرکت بسیاری از اموال شرکت را از جمله خودرو ها و ماشین آلاتی که به ظاهر اضافی بودند فروختند و از محل فروش آنها بیشتر از پولی که برای خرید شرکت قیمت گذاشته شده بود به جیب زدند. و شرکت برای شان کاملاً مجانی تمام شد. و پس از فارغ شدن از فروش اموال شرکت به افزایش غارت و چپاول نان از سفره کارگران

(اتحادیه- سندیکاها) ایستادند که در آن شرایط براحتی می توانست بطور سراسری بوجود آمده و در خدمت تقویت شوراهای کنترل قرار گیرد و در مقابل هجوم های بعدی حکومت ضدکارگری بزرگترین مانع را بوجود آورد و عدهای دیگر از نیروهای باصطلاح کارگری با حمایت از حکومت اسلامی ضدکارگری و تشکل های ضدکارگری در مقابل شوراهای کنترل کارگری صف آرائی کرده و حکومت سرمایه از این شکاف بوجود آمده در غیاب تشکل های سراسری کارگری بر اوضاع مسلط شد. در این تجربه بر عکس تجربه های ۱ و ۲ تشکل سیاسی در مقابل تشکل اقتصادی قرار گرفته و در شرایط عدم آگاهی سیاسی کارگری باعث افت کل مبارزه شد. البته لازم به گفتن نیست که طبقه کارگر ایران تجربه شوراهای را بعنوان عالی ترین تجربه خود بعنوان پایه حکومت کارگر در آینده حتماً به کار خواهد گرفت هدف ما از توضیح علل شکست اولاً تجربه برای آینده و ثانیاً نشان دادن ارتباط نزدیک و به هم پیوسته مبارزه و تشکل اقتصادی و سیاسی کارگران می باشد بدون این ارتباط قوی ترین اتحادیه ها و سندیکاها را هم داشته باشیم بدون درک منافع و آینده سیاسی به ابزار بقای نظام بهره کشی تبدیل خواهیم شد.

بهترین تجربه موفقیت آمیز جنبش کارگری انقلاب اکتبر ۱۹۷۱ روسیه بود که دو سطح مبارزه و تشکل (اتحادیه و حزب سیاسی) را در راستای تقویت همديگر استفاده کرد بطوریکه اتحادیه های کارگری بعنوان پایه نفوذ گسترده حزب سیاسی در میان کارگران و در جهت اهداف نابودی نظام سرمایه داری مورد استفاده قرار گرفت مثلاً در قیام مسلحانه علیه حکومت سرمایه اتحادیه ها و سندیکاها سرخ پایه اساسی تدارکات و پشت جبهه گردانهای نظامی- کارگری عمل کردند و بعنوان مکمل شوراهای کارگری در خدمت منافع طبقه کارگر قرار گرفتند. طبقه کارگر در مبارزه علیه نظام سرمایه داری نیروی خود را بعنوان یک طبقه در مقابل طبقه سرمایه دار و حکومت حافظ بخاطر منافع اقتصادی و سیاسی در تشکل های سیاسی و اقتصادی (اتحادیه- حزب- شورا) متشکل می کند بدون این مبارزه همسوی سیاسی- اقتصادی به پیروزی نخواهد رسید در شماره های آینده در مورد تشکل های موجود و انحرافات آنان و چگونگی ساختارهای اصولی و درست صحبت خواهیم کرد.

(اضافه کاری باعث می شود تعداد زیادی از کارگران دائمی در بیکاری به سر ببرند) طی چند روز گذشته مدیریت تراکتور سازی تبریز به کارگران اعلام کرده است که باید یک ماه به مرخصی بدون حقوق بروید. نام این مرخصی را تعطیلی زمستانی گذاشته اند این تصمیم از یک طرف نشان دهنده بحران است و از طرف دیگر نشان دهنده ی فرصت طلبی کارفرمای تراکتور سازی است که می خواهد تمامی فشار بحران را بر زندگی کارگران تحمیل کند تا ضمن عبور دادن کارخانه از بحران فرصت طلبانه اقدام به اخراج برخی از کارگران نماید . در مقابل کارگران قسمت موتوری اعلام کردند اگر شنبه ۱۴/۱۰/۱۳۸۷ مدیریت تصمیم خود را پس نگیرد دست به اعتراض و تجمع در مقابل فرمانداری خواهیم زد و کارگران قسمتهای دیگر کارخانه نیز از اقدام کارگران موتوری اعلام حمایت کرده اند .

کارگران و مردم عدالت خواه !!!

امروز با روی آمدن بحران های شدید سرمایه داری می رود تا زمینه نابودی نظام ضد انسانی سرمایه داری طومارش پیچیده شود. پس لازم است با هوشیاری و ضمن تلاش و فعالیت در راه گسترش همبستگی طبقه کارگر در قدمهای اولیه به حمایت های عملی و معنوی از کارگران معترض به خصوص کارگران تراکتور سازی تبریز اقدام کنیم تا برسد روزی که با اعتصابات سراسری و قیام کارگری نظام سرمایه داری را نابود کرده و حکومت شورای کارگران را برقرار کنیم .

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

نابود باد سرمایه داری
نابود باد جمهوری فاشیستی اسلامی

زنده باد سوسیالیسم
بر قرار باد حکومت کارگری
پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

در مقابل درب ورودی کارخانه، کارگران عکس همکار خود جمال عباس زاده را زده اند و در جاهای مختلف شعار های زیر را به در و دیوار چسباده اند :

حقوق انسانی حق مسلم ماست
کودکان کارگر محتاج نان خالیند
فردمنش ها را، مرغ بریان در سفره بسیار است

مسئولین پاسخگوی، عدالت کو
جمال عباس زاده قربانی سرمایه دار
عزا عزاست امروز روز عزاست
امروز کارگر زحمتکش صاحب

عزاست امروز
آرزوی کارخانه دار مردن کارگر
است
گلستان فرد منش
جهنم کارگر
است.

بحران

در تراکتور سازی تبریز

کارفرمایان (سرمایه داران) در دوران رونق به شدت تولید می کنند و کارگران را با استفاده از اهرم لشکر بیکاران مجبور به کار سه شیفت و اضافه کاری ها تا دو برابر ساعات کار می کنند و در زمان اشباع بازار ، رکود و بحران که هر سه مربوط به ذات بحران زده سرمایه و بحران ساختاری آن است ، برای عبور از بحران شروع به اخراج کارگران و تعدیل نیرو می کنند و در همین حال آنها اخراج را با ترفندهای مختلف اجرا می کنند از جمله با تصویب قوانین ضد کارگری هر روز دست سرمایه داران بیشتر باز گذاشته می شود. قراردادهای موقت، سفید امضاء و کارآموز نامیدن کارگر و کارهای آزمایشی، تقلیل زمان قراردادها به ۲۹ روز و... و همچنین برای آزمایش جو اجتماعی کارگران آنها را مدتی تعطیل کرده سپس در زمان تعطیلی تمحیلی، لیست اخراجی ها را تهیه و در زمان پراکندگی به کارگران ابلاغ می کنند .

شرفی صاحب لاستیک سازی البرز و همچنین عملکرد مدیریت هفت تپه، فرش البرز و صدها کارخانه دیگر دارد . با کمی دقت می توان به این نتیجه رسید که سرمایه داران همگی برای به شکست کشاندن مبارزه پراکنده کارگران و جلوگیری از اتحاد آنها در جهت سراسری شدن مبارزاتشان دست به اقدامات مشترک می زنند. در مقابل چنین اعمال ضد کارگری تنها از طریق گسترش اعتراضات ، ساختن تشکل های واقعی با سازماندهی مخفی و برقراری پیوند با کارگران و تشکلهای دیگر کارخانجات و سراسری کردن اعتراضات می توان مقابله کرده و سرمایه داری را شکست داد.

با توجه به سیاست های کلی، سرمایه داری، ایران می خواهد تمامی کارخانجات را به تعطیلی بکشاند، از طریق فروش زمین کارخانه و تبدیل آن به سرمایه دلالی، ضمن بردن سود کلان و با نابودی امنیت شغلی و اخراج کارگران باعث گسترش گرسنگی و آوارگی میلیونها انسان خواهد شد. تجارب بدست آمده از بحران سازبها و تعطیلی گسترده کارخانجات از جمله نساجیها ، کارخانه های تولید کفش ، فرش البرز ، لاستیک البرز ، ... و هزاران کارخانه ی دیگر که همزمان با مبارزات پراکنده کارگران برای حفظ شغل ، حقوق و دست آوردهای خود اتفاق افتاده است ، نشانگر نا توانی و عدم جوابگویی مبارزات پراکنده برای مقابله با تهاجم سرمایه داری است. با این توصیف ایجاد تشکلهای توده ای با سازماندهی مخفی در جهت ایجاد و گسترش همبستگی کارگران برای مقابله با تهاجم سازمان یافته ی سرمایه داری ضرورت حیاتی دارد.

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان

کارگران انقلابی، پیشرو و کمونیست
با پیوستن به یکدیگر و گرد آوری
توده های کارگر، اقدام به ایجاد
تشکل های انقلابی کنید.

انسان خالق است .

همانند بسیار دیگر من
 عرق ریختن آموختم،
 نه فهمیدم که مدرسه چیست
 ونه دانستم بازی چه معنی دارد.
 در سپیده دم ، آنها
 مرا از رختخواب بیرون کشیدند
 و در کنار پدر
 با کار بزرگ شدم.
 تنها با تلاش و با پشت کار
 بعنوان نجار و حلب ساز
 بعنوان بنا و گچکار
 و بعنوان آهنگر و جوشکار
 سخت کوشیدم
 آی پسر ، چه خوب می شد اگر من
 سواد می داشتم و آموزش می دیدم
 زیرا که در بین تمام عناصر
 انسان یک خالق است.
 من خانه ای بنا می کنم
 یا جاده ای می سازم
 من به شراب مزه می دهم
 و دود کارخانه را بلند می کنم
 پستی های زمین را مرتفع می کنم
 ارتفاعات را مسخر می کنم
 و بسوی ستارگان می تازم
 و درانبوه جنگل کوره راه باز می کنم.
 من زبان آقایان را آموختم.
 و همینطور زبان مالکین و اربابان را
 آنها اغلب مرا کشتند
 چرا که من صدایم را علیه آنها بلند کردم
 اما من خود را از زمین بلند می کنم
 زیرا که دستها مرا یاری می دهند ،
 زیرا که من دیگر تنها نیستم
 زیرا که ما اکنون بسیاریم....

شعر « انسان خالق است.» ترانه ی
 است از سروده های ویکتور خارا
 شاعر شیلیایی که شاعر جهانی شده
 است.

ویکتورخارا شاعر ، آهنگساز و
 خواننده انقلابی شیلی است . سرودها
 و ترانه های ویکتورخارا و صدای او
 از میان وحشت، خون و شکنجه
 استادیوم سانتیاگو به صورت نماد
 آزادی و زندگی انقلابیون شیلی و دنیا
 در آمده است. از آنجا که صدای خود را
 علیه بی عدالتی ، فقر و برعلیه
 سرمایه داری بلند کرد، و از آنجا که
 در زندگی صادق و مقاوم بود، تا
 آخرین لحظات زندگی به عنوان زندانی
 نیروهای مسلح بدست کودتاچیان به
 طرزوحشیانه ای شکنجه و آزار شد.
 در کودتای ژنرالهای طرفدار آمریکا تحت
 فرماندهی ژنرال پینوشه بر علیه
 انقلاب شیلی در سال ۱۹۷۳ بود،
 دستگیر و در ورزشگاه سانتیاگو
 همراه هزاران انقلابی دیگر بازداشت
 شد. و طی چهار روزی که در آنجا
 بازداشت بود با گیتار خود سرودها و
 ترانه های خواند و تمامی بازداشتی ها
 با او همراهی کردند. فضای ورزشگاه
 را به اردوی شورو هیجان تبدیل کرده
 بود . کودتاچیان طرفدار امریکا بسیار
 تلاش کردند تا او را از خواند بازدارند
 ولی موفق نشدند . حتی دست او را
 بریدند ، تا نتواند بنوازد ولی او
 همچنان می خواند تا اینکه در روز
 چهارم (پازدهم سپتامبر ۱۹۷۳) او و
 دیگر زندانیان ورزشگاه را با مسلسل
 به گلوله بستند .

یادشان گرامی باد!!!